

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 5, Summer 2020, 223-243
Doi: 10.30465/crtls.2020.5383

A Critical Approach to *A Concise Introduction to Mixed Methods Research* with Rhetorical Analysis

Mahdi Shaghghi*

Abstract

In this article, I tried to investigate the rhetorical aspects of Creswell's "*A Concise Introduction to Mixed Methods Research*" with a critique of the Persian translation of the book. After the introduction and problem statement and methodology, I tried to introduce all sections of the book, describe its formal aspects, and trace standpoint of the work among similar works and then mention the main weaknesses of the Persian translation, which include machinist translation, editorial errors, pronunciation problems, errors in finding fitted equivalent terms, disruption in harmonious use of phrases, misspellings and so on. Then by using Spurr's (1993) model of rhetoric analysis, I tried to extract sample sentences from important sections of the book that explicitly have rhetorical acts and categorize them. This rhetorical aspect would be the point of departure for a methodological discussion about the pre-assumptions of this structure for research.

Keywords: Mixed Methods Research, Rhetoric of Methodology, Translation, Machinist Translation, Rhetoric Analysis.

* Assistant Professor, Faculty of Education & Psychology, Department of KIS, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, m_shaghghi@sbu.ac.ir

Date received: 2020-01-09, Date of acceptance: 2020-06-07

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب درآمدی بر پژوهش روش‌های آمیخته و تحلیل وجوه خطابی آن

مهدی شقاقی*

چکیده

در مقاله حاضر هدف آن است که به‌بهانه نقد کتاب درآمدی بر پژوهش روش‌های آمیخته به نقد روش‌شناختی چهارچوب پژوهش آمیخته‌ای که در این کتاب جان کرسول معرفی کرده است پرداخته شود. پس از مقدمه و بحثی روش‌شناختی، به معرفی کوتاه کتاب پرداخته و، ضمن معرفی آثار مشابه در حوزه موضوعی کتاب، جایگاه آن در میان سایر آثار ترسیم شده است. سپس، توصیف و نقد مشخصات ظاهری کتاب در پیش گرفته شده و بخش‌های مختلف کتاب تشریح شده است و مهم‌ترین محورهای ضعف ترجمه از جمله اغلاط املائی، ترجمه ماشینی، تلفظ ناصحیح‌اعلام، معادل‌گذاری نادرست، اشکالات نگارشی، ناسلیس بودن، نایک‌دستی در به‌کارگیری واژگان، و موارد دیگر بررسی شده است. پس از آن، با استعانت از چهارچوب تحلیل رتوریک اسپر (۱۹۹۳)، تلاش شده است تا با استخراج گزاره‌هایی از متن کتاب، که آشکارا جنبه رتوریک دارند تا علمی، به تحلیل وجوه خطابی روش آمیخته پرداخته و رتوریک‌های به‌کاررفته در آن دسته‌بندی شود و با تکیه بر آرای برخی اندیشمندان دیگر، اصالت آن به‌عنوان یک روش مستقل موردنقد و نظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: چهارچوب آمیخته، جان کرسول، وجوه خطابی روش، تحلیل رتوریک، روش‌شناسی پژوهش.

* استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، m_shaghghi@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

۱. مقدمه

آنچه به «روش» پژوهش آمیخته تداول یافته است و این مقاله در نقد و رد آن تلاش خواهد کرد، سه طرح کاملاً مشخص و معروف دارد که کرسول (John W. Creswell)، پلانوکلاک (Vicki L. Plano Clark)، تشکری (Abbas Tashakori)، و تدلی (Charles Teddlie) در مقالات و کتب بسیارشان متمرکز به آن بوده‌اند: طرح‌های ترکیبی هم‌زمان، ترکیبی تبیینی، و ترکیبی اکتشافی. در طرح‌های ترکیبی هم‌زمان، داده‌ها یا برای تبیین یک یافته در کنار هم و در مقایسه با هم می‌آیند یا برای آن یافته به هم تبدیل می‌شوند. در طرح ترکیبی تبیینی، پژوهشی کمی درباره تأثیرات یا روابط چند عامل (متغیر) انجام می‌شود و سپس برای تشریح بیش‌تر روابط و تأثیرات آن عامل‌ها کار کیفی انجام می‌شود. این طرح را می‌توان ایدئال‌ترین چهارچوب برای تحقق‌بخشیدن به رئالیسم انتقادی روی باسکار (Roy Bhaskar's Critical Realism) در انجام پژوهش‌های اجتماعی دانست؛ زیرا پس از تبیین علت‌های پیش‌بینی‌شده در یک مدل قیاسی و اثبات یا رد روابط بین آن‌ها، با یک کار کیفی به یافتن عوامل ایجادکننده آن عامل‌ها می‌توان پرداخت. در طرح‌های تبیینی اکتشافی که بهترین طرح دانسته شده است پژوهشی کیفی برای کشف روابط و عوامل انجام می‌شود و سپس آن روابط و عوامل در جامعه‌ای گسترده‌تر به روش کمی آزموده می‌شود (Tashakori and Teddlie 2003; Creswell 2003). این سه طرح با تقسیم‌بندی‌های جزئی داخل آن‌ها جوهره این چهارچوب است و بعدها علاقه‌مندان این چهارچوب طرح‌های دیگری به نام «طرح‌های پیشرفته» ارائه کردند که عبارت بود از طرح‌های مداخله‌ای، عدالت اجتماعی، و فمینیستی. در طرح‌های مداخله‌ای قبل و بعد از پیش‌آزمون و پس‌آزمون یک روش درمان یا کاربرد یک ابزار و غیره، مصاحبه‌های کیفی با تکیه بر روش‌ها و منظرهای مختلف با کنش‌گران انجام می‌شود. در طرح‌های عدالت اجتماعی و فمینیستی نیز تعریف مسئله و کار کمی و کیفی پژوهش با جهت‌گیری نقدهای مارکسیستی و نئومارکسیستی، پسااستعماری، فمینیستی، و غیره انجام می‌شود (کرسول ۱۳۹۵). اما اگر به آثار نگاشته‌شده به فارسی و انگلیسی با عنوان روش‌های پژوهش آمیخته (شورینی ۱۳۹۱) یا روش تحقیق آمیخته (دلور و کوشکی ۱۳۹۲) یا طرح پژوهش: رویکردهای کمی، کیفی، و ترکیبی (کرسول ۱۳۹۲) نگاه کنید مشاهده می‌کنید که محتوای قسمت اعظم این کتاب‌ها در کتب و جزوات روش تحقیق به‌کرات گفته شده است و بخش کوچکی از این کتاب‌ها (یک فصل) به ترکیب روش‌های کمی و کیفی با طرح‌های یادشده اختصاص دارد. مثلاً، در کتاب

کرسول (۱۳۹۲)، فصل دهم این کتاب با عنوان «شیوه‌های روش ترکیبی» به طرح‌های ترکیب پرداخته است و مابقی تکرار مقدمات پژوهش و معرفی روش‌های کمی و کیفی و ارائه یک رویه خطابی (rhetoric) برای این است که چه‌طور ترکیبی‌بودن روش پژوهش را از ابتدا توجیه کنیم و در عنوان، بیان مسئله، پرسش‌ها، روش‌شناسی، و غیره بگنجانیم و تأکید کنیم. با مطالعه‌ای که از مدت‌ها پیش روی این نوع آثار شده بود این فرضیه استحکام یافت که آن‌چه به عنوان «روش» پژوهش آمیخته مطرح شده است در واقع روش نیست، بلکه چهارچوبی است که چگونگی به‌کارگیری روش‌های کمی و کیفی در کنار هم را توضیح می‌دهد؛ ضمن آن‌که پیش‌روان این چهارچوب برای جانداختن آن به خطابه‌گری متوسل شده‌اند و سعی کرده‌اند با اضافه کردن مباحثی حاشیه‌ای (غیر از آن‌چه به هسته اصلی این چهارچوب مربوط است)، استفاده ابزاری از پراگماتیسم فلسفی و روشی، و تأکیدات فراوان در اشاره مستقیم به این چهارچوب در بیان مسئله، روش، پرسش‌ها، و... آن را تبدیل به یک گفتمان رقیب در قلمرو روش‌شناسی کنند. نوشته حاضر قصد دارد تا به‌هم‌راه معرفی درآمدهای پژوهش روش‌های آمیخته از جان کرسول ترجمه مرتضی اکبری و راضیه اکبری و نقد مشکلات ترجمه‌ای و نگارشی آن به جنبه‌های خطابی این چهارچوب - که خود را یک روش معرفی می‌کند - پردازد. سعی شده است تا جملات با بار خطابی از قسمت‌های مهم کتاب استخراج و تحلیل شود و نتایج تحلیل نقطه‌عزیمتی شود برای پرداختن به پیش‌فرض‌های فکری این چهارچوب.

مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به چهار پرسش است: ۱. کتاب در مجموع حاوی چه محتوایی است و جایگاه آن در میان آثار مشابه چیست؟ ۲. چه نقدهایی به ظواهر و ترجمه کتاب وارد است؟ ۳. چه نقدهایی به محتوای کتاب وارد است؟ ۴. کتاب از چه تکنیک‌های بلاغی برای قانع‌کننده جلوه‌دادن خود سود برده است؟

۲. روش

پژوهش حاضر به روش تحلیل مفهومی و تحلیل رتوریک انجام گرفته است. تحلیل مفهومی بیش‌تر مورد استفاده رشته‌های فلسفه و الهیات، متافیزیک، اخلاق، و حوزه‌هایی این‌چنین است و از نظر فالیس (Fallis 2009) ظاهراً به افلاطون برمی‌گردد. افلاطون در رساله جمهوری برای ارائه تعریف درباره «دانش» یا «شناخت» از این روش بهره برد و ابتدا شناخت را به اجزای سازنده‌اش شکست و سپس سعی کرد تا همه مصادیق شناخت را ذیل

آن جای دهد تا به تعریف «باور صادق موجه» برسد. پس هر جا دسته‌بندی مقولات و مصادیق اتفاق بیفتد نوعی تحلیل مفهومی نیز اتفاق افتاده است. در مقاله حاضر از تحلیل مفهومی در معنای عام آن استفاده شده و هدف جداسازی و دسته‌بندی نقدهای وارد به اثر و تخصیص مفاهیم به هریک از دسته‌ها بوده است و سعی شده است ضعف‌های ترجمه اثر در دست‌نقد مقوله‌بندی شود و ذیل هر مقوله مصادیقی ذکر شود. علاوه‌بر این روش، از تحلیل رتوریک نیز استفاده شده است. رتوریک یا خطابه از دیرباز به‌عنوان «فن اقناع» شناخته می‌شده و روشی برای گیراکردن و قانع‌کننده‌ساختن کلام بوده است که سوفیست‌ها می‌آموختند. افلاطون دو نکته کلیدی در باب رتوریک داشت: اول این‌که رتوریک چیزی متفاوت با حقیقت است؛ زیرا آن‌چه در جهان زیسته افراد موجود است متفاوت با جهان ایده‌های اوست. جهان ایده‌های فرد حقیقت و جهان زیسته افراد رتوریک است. دوم این‌که رتوریک آموزش‌دانی نیست؛ زیرا وی قائل به رتوریک خوب و رتوریک بد بود و رتوریک بد را اساساً دانش خطابی نمی‌دانست و فریب تلقی می‌کرد و اما درک یا استفاده از رتوریک خوب را نیز به فضایل فرد منوط می‌دانست که باز آن را آموزش‌ناپذیر می‌کرد (Leach 2000).

اما تحلیل رتوریک از زمانی مجدداً در قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت که اندیشمندان انتقادی علوم انسانی، مثل نئومارکسیست‌های علاقه‌مند به تحلیل گفتمان، نشان دادند که چگونه سه قرن است که علم مدرن عاری از رتوریک و پیراسته و مهذب از خطابه دانسته شده است، درحالی‌که اصلاً چنین نیست. فرانسیس بیکن (Francis Bacon) شاگردان خود را تشویق می‌کرد که دست از خواندن کتاب‌ها بردارند و در طبیعت و جهان بیرون واقعیت‌ها را جمع‌آوری کنند. تأسیس انجمن سلطنتی انگلستان از سوی بیکن گره‌خورده با این شعار او بود که «هیچ‌چیز در کلمات نیست» (ibid.) و علم مدرن برای علم‌بودن باید از استعاره و تشبیه و لطائف نثری و غیره اجتناب کند. اما پژوهش‌های زیادی، از جمله پژوهش جانسون (Johnson 1995)، نشان داده‌اند که چگونه حتی علمی چون فیزیک مدرن، که خود را عاری از هر نوع وجه خطابی و ادبی و نیز اثرات اجتماعی در تطور و پیشرفت خود می‌داند، سیر تطور خود را مدیون فنون خطابی‌اش چون استعاره، تشبیه، و مجاز بوده است. برخورد نیچه (۱۳۷۳) با علم رادیکال‌تر از این نوع تحلیل‌هاست و او حتی تمام عقلانیت مدرن را ناشی از به‌کارگیری همان‌گویانه کلماتی می‌داند که برخاسته از تحریک عصبی ناشی از مشاهده شیء، تصویرشدن شیء در ذهن، و نام‌گذاری آن برحسب یکی از ابعاد قابل توجه آن (و فراموش کردن سایر ابعاد آن شیء) است. او مار را مثال می‌زند که در نام‌گذاری اولیه آن در

زبان آلمانی (schlange) فقط خزندگی آن (schelingen) دیده شده و سایر جنبه‌های آن در همان نام‌گذاری نخستین فراموش شده است و این بیان استعاری روی کل فهم بشر از این موجود اثر گذاشته است. کلمه خرگوش در زبان فارسی همین جایگاه را دارد. به نظر می‌رسد چرخ زبان‌شناختی به علم، به‌ویژه نوع انتقادی آن، بسیار الهام‌گرفته از نیچه باشد.

تحلیل رتوریک به دنبال تحلیل جملات و عباراتی در متن است که دارای نقش اقناعی هستند تا نقش استدلالی. پیش‌فرض این تحلیل نیز آن است که گوینده سخن یا نویسنده متن آگاهانه به دنبال چینه‌های خاصی از کلمات، استفاده از استعاره، تشبیه، مجاز، و غیره برای اثرگذاری اقناعی روی افراد نیست، بلکه قالب‌های سخن اقناعی به‌طور طبیعی و در قالب گفتمان در یک قلمرو سخن‌گویی خاص (مثل رشته‌های علمی) رسوب کرده‌اند.

پیدا کردن عینی این نقش‌ها همواره در تحلیل رتوریک یک چالش بوده است، اما در پژوهش حاضر ما برای عینی کردن تحلیل دو معیار به کار برده‌ایم: ۱. نقش‌های رتوریک جملات را براساس منابع کلاسیک فنون بلاغت (استعاره، تشبیه، تأکید، تکرار، و...) آورده‌ایم (برای مثال، همایی (۱۳۸۹)؛ ۲. از الگوی تحلیل رتوریک دیوید اسپر (David Spurr) استفاده شد که شامل دوازده جزء است (کوثری و احمدزاده ۱۳۹۳؛ Spurr 1993). این دوازده جزء در تحلیل‌های پسااستعماری استفاده شده است، اما در این جا چهارچوب تحلیل پسااستعماری نیست، بلکه در این جا از این دوازده جزء به‌نحو خاص استفاده شده و هدف نشان دادن این است که ابژه پژوهش (در این جا، «روش»/ methodology) چگونه بازنمایی شده است: ۱. پایش (مؤلف چگونه نظارتش بر روش خود را اعمال می‌کند)؛ ۲. احراز مالکیت و تخصیص (مؤلف چگونه روش را از آن خود می‌کند)؛ ۳. زیبایی‌شناسانه کردن (مؤلف چه‌طور روش را زیبا جلوه می‌دهد)؛ ۴. طبقه‌بندی (مؤلف چه‌طور با طبقه‌بندی‌های خاص روش خود را در جایگاه برتر می‌نشانند)؛ ۵. بنیان‌زدایی (مؤلف چه‌طور از روش‌های دیگر برای برتری بخشی به روش خود بنیان‌زدایی می‌کند)؛ ۶. نفی (مؤلف چه‌طور ناسازواری‌های روش خود را نفی می‌کند)؛ ۷. تصدیق (مؤلف چه‌طور سایر مؤلفه‌های تأییدگر روش خود را تأیید می‌کند)؛ ۸. آرمانی کردن (مؤلف چه‌طور روش خود را آرمانی و ایدئال جلوه می‌دهد)؛ ۹. وهم‌نمایی (مؤلف چه‌طور روش خود را از جسمیت خارج و روحانی و غیرمادی می‌کند)؛ ۱۰. طبیعی‌سازی (مؤلف چگونه امور غیرطبیعی را طبیعی جلوه می‌دهد)؛ ۱۱. اروتیک‌سازی (مؤلف چه‌طور از مؤلفه‌های عاشقانه در تشبیه یا استعاره برای تأیید روش بهره می‌برد)؛ ۱۲. مقاومت (مؤلف چه‌طور در برابر انتقادات به روش خود مقاومت می‌کند).

۳. معرفی

کتاب *درآمدی بر روش تحقیق آمیخته* کتابی است در ۱۵۶ صفحه که مرتضی اکبری و راضیه اکبری آن را ترجمه کرده‌اند و نشر روان‌شناسان (با همکاری نشر جامعه‌شناسان) در صد نسخه با چاپ دیجیتال چاپ کرده است. در سال ۱۳۹۲ نیز کتابی با عنوان *بازکاوی روش تحقیق آمیخته* از چهار مؤلف یعنی سیدمصطفی رضوی، مرتضی اکبری، مرتضی جعفرزاده، و محمدرضا زالی منتشر شده بود و این اثر دومین کار مترجم کتاب در دست نقد در حوزه چهارچوب آمیخته محسوب می‌شود. کتاب‌های زیادی درخصوص این چهارچوب روشی منتشر شده‌اند که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی گنجانند: ۱. کتاب‌هایی که با عنوان «روش پژوهش آمیخته» منتشر شده‌اند، اما در آن‌ها اصول پژوهش و روش‌های کمی و کیفی توضیح داده شده و یک بخش به آمیختن روش‌ها اختصاص یافته است (بنگرید به تشکری و تدلی ۱۳۹۵؛ خلیلی شورینی ۱۳۹۱؛ دلاور ۱۳۹۴)؛ ۲. کتاب‌هایی که با عنوان «روش تحقیق در... [رشته‌های مختلف]» منتشر شده‌اند و در عنوان فرعی آن‌ها عبارت «کمی، کیفی، و آمیخته» به چشم می‌خورد (بنگرید به شپریس و یانگ ۱۳۹۵؛ جانسون و کریستن سن ۱۳۹۱).

البته کتابی نیز با عنوان *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته* از عباس بازرگان هرندی منتشر شده که جالب‌توجه است. کتاب در دست‌نقد با همه این سه نوع کتاب فرق دارد: این کتاب، بنابه اعتراف مؤلف در مقدمه، مخصوص شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های پژوهش آمیخته که کرسول برگزار می‌کند نوشته شده و به نحوه نگارش صوری پژوهش‌ها با این روش تکیه کرده است و روش‌های تحقیق کمی و کیفی در آن معرفی نشده است. در مجموع به نظر می‌رسد کتاب‌هایی که با عنوان روش پژوهش در رشته‌ای خاص منتشر شده‌اند و در عنوان فرعی به کمی، کیفی، و آمیخته اشاره کرده‌اند عنوان صادقانه‌ای برگزیده‌اند؛ زیرا قسمت اعظم کتاب‌هایی که با عنوان روش آمیخته چاپ شده‌اند به مقدمات پژوهش و روش‌های کمی و کیفی پرداخته‌اند.

کاغذ جلد کتاب مقوای ۲۵۰ گرمی با سلفون مات است که این سلفون متأسفانه از گوشه‌ها بلند می‌شود. ظاهراً از کاغذ هفتادگرمی اندونزی برای چاپ استفاده شده و قطع کتاب رقیعی است. اشکال آماده و نامتناسبی که مثل اشکال آماده نرم‌افزار ورد روی جلد کتاب کار شده (شکل لامپ، علامت اینترنت (@)، و...) نشان از شتاب برای انتشار دارد. از چسب گرم برای صحافی استفاده شده است، اما عطف کتاب مستحکم نیست و خط

تا نیز ندارد. نکته جالب دیگر آن که فی‌بای کتاب برای انتشارات روش‌شناسان است و کتاب قانونی متعلق به این ناشر است، ولی در پشت جلد و عطف کتاب فقط آرم انتشارات جامعه‌شناسان به چشم می‌خورد که البته ممکن است این دو ناشر در واقع یک ناشر باشند.

۴. شرح اثر

کتاب به جز مقدمه ده فصل دارد. در ابتدای فهرست مطالب و قبل از مقدمه شماره صفحه فهرست مطالب (یعنی همان صفحه‌ای که این شماره صفحه آمده) ذکر شده است! هم‌چنین، دو تیتیر دیگر هم در ادامه آمده است: ۱. فهرست شکل‌ها و نمودارها و ۲. فهرست جدول‌ها. چند صفحه بعدتر که به فهرست‌ها برمی‌خوریم متوجه می‌شویم که فقط نوشته شده است فهرست جدول‌ها و نمودارها و از آن دو خبری نیست.

کتاب منابع و مآخذ، نمایه، و واژه‌نامه دارد، اما صفحه عنوان انگلیسی ندارد. در فصل اول به اهداف، فصول، و مخاطبان کتاب اشاره شده و این‌طور ترجمه شده است: «این مقدمه مختصر به پژوهش روش‌های آمیخته به سمت محققان مبتدی و یا محققان پیشرفته در روش‌های آمیخته است که نیاز به یک یادآوری سریع روش‌های آمیخته دارند». فصل دوم به خصوصیات چهارچوب آمیخته پرداخته است و این که این چهارچوب چه هست و چه نیست. مثلاً ترجمه شده است:

یک رویکرد به پژوهش در علوم اجتماعی، رفتاری، و سلامت است که بر این اساس محقق هر دو نوع داده‌های کمی (بسته) و کیفی (باز) را جمع‌آوری کرده است و ادغام می‌کند و سپس برای درک سؤالات پژوهش، براساس نقاط قوت ترکیبی داده‌ها، تفاسیری ارائه می‌کند.

فصل سوم به مراحل طراحی پژوهش با این چهارچوب اختصاص یافته است. این که اهداف و پرسش‌ها را چه‌طور، با توجه به این چهارچوب، بنویسیم و چه‌طور فلسفه‌ای را به این روش منتسب کنیم و چه‌طور از آشکال و نمودارها برای نمای بهتر پژوهش استفاده کنیم. فصل چهارم به برشمردن انواع روش‌های تحقیق کیفی و انواع روش‌های تحلیل آماری که برای کار در چهارچوب آمیخته نیاز است پرداخته و از گراند تئوری، پدیدارشناسی، نرم‌افزار مکس کیودا، تحلیل واریانس، تحلیل کوواریانس، مطالعات هم‌بستگی، و... نام برده است.

در فصل چهارم، طرح‌های پایه و پیشرفته چهارچوب آمیخته برشمرده شده و از طرح هم‌گرا، طرح متوالی تبیینی، و طرح متوالی اکتشافی و هم‌چنین طرح مداخله‌ای، طرح عدالت اجتماعی، و طرح چندمرحله‌ای بسیار کوتاه سخن به میان آمده است. در فصل پنجم مجدداً به چگونگی ترسیم نمودار رویه‌ها تمرکز شده است و انواع شکل‌ها و جدول‌هایی معرفی شده است که برای خوش‌نمایشدن پژوهش با این چهارچوب به کار می‌آید. فصل ششم کتاب به تکرار فصل دوم البته با اندکی جزئیات بیش‌تر پرداخته و نمونه‌هایی از بیان هدف و پرسش‌ها در چهارچوب آمیخته را ذکر کرده است. در فصل هفتم، مسائل نمونه‌گیری و ادغام ذکر شده و گفته شده است که در هر یک از طرح‌های پایه نمونه‌گیری کمی و کیفی معمولاً به چه صورت انجام می‌شود. انواع ادغام داده‌ها که در این فصل بحث شده تکرار مباحث فصل چهارم است.

فصل هشتم به تئوریک‌نگارش پژوهش در چهارچوب آمیخته پرداخته و، پس از بحث درباره انتخاب مجله و نحوه نگارش عنوان و غیره، چهارچوب‌های هم‌گرا، تبیینی، و اکتشافی دوباره با تأکید بر ساختار و نگارش تکرار شده است. فصل نهم به ارزش‌یابی کیفیت مطالعه روش‌های آمیخته پرداخته، اما به جای ارائه روش‌های ارزش‌یابی، منبعی با عنوانی که این‌طور ترجمه شده معرفی شده است: «کتاب راه‌نمای مبتنی بر کاربر ارزش‌یابی پروژه ۲۰۰۲». هم‌چنین، در این فصل به این توجه شده است که سردبیران مجلات به چه نکاتی در مقالات با چهارچوب آمیخته توجه می‌کنند و توصیه‌هایی رتوریک برای برآوردن خواسته‌های آن‌ها ارائه شده است. عنوان فصل دهم «توسعه و پیشرفت روش‌های آمیخته است»، اما در واقع مباحث قبلی جمع‌بندی و تکرار شده است؛ مثلاً تیتروایی چون ارزش روش‌های آمیخته، ویژگی‌های اصلی، کاربرد فلسفه یا تئوری، سؤالات پژوهش روش‌های آمیخته، و غیره.

۵. محورهای نقد ترجمه

در ذیل، ضعف‌های ترجمه این کتاب مقوله‌بندی شده و از هر مقوله مثال‌هایی ذکر شده است، اما مهم‌ترین مشکل کتاب ترجمه‌ای حاضر «ترجمه ماشینی» است. جملات به همان ترتیبی که در متن انگلیسی آمده به فارسی ترجمه شده است و اگر به جای کلمات فارسی معادل انگلیسی‌اش را بگذارید، می‌توانید به جمله انگلیسی دست پیدا کنید. نحو انگلیسی در جملات فارسی آشکار است و این خواننده را نسبت به خواندن این کتاب بی‌میل می‌کند.

عنوان کتاب یعنی مقدمه‌ای بر پژوهش روش‌های آمیخته (*A Concise Introduction to Mixed Methods Research*) گویای ترجمه ماشینی است؛ زیرا «پژوهش روش‌های آمیخته» دوپهلوی است: پژوهش درباره روش‌های آمیخته یا پژوهش با روش‌های آمیخته. درضمن، اشتباه رایجی در میان علما رایج است و آن کلیشه «مقدمه‌ای بر» است که ناصحیح است و «مقدمه‌ای به» صحیح است. به نظر می‌رسد عنوان صحیح کتاب، با رعایت ملاحظات تجاری و حذف کلمه «خلاصه»، این باشد: «مقدمه‌ای به پژوهش با روش‌های آمیخته». ضعف‌های ترجمه‌ای این کتاب دارای مقولات ذیل است:

الف. ترجمه ماشینی: مثال، «استانداردهای ادغام‌شده در گزارش کارآزمایی‌ها» (ص ۲۴)، «یک دیدار فرضی برای یادگیری طرح روش‌های آمیخته» (ص ۳۱)، «درنظرگرفتن وجود یک بحث جهان‌بینی و یک بحث تئوری» (ص ۳۲)، «یک سؤال روش‌های آمیخته را توسعه دهید» (ص ۵۶)، «علاوه‌براین، یک ستون آخر جدول درمورد تفاوت‌ها و شباهت‌های بین زمینه‌ها و نتایج آماری بحث می‌کند» (ص ۱۰۶)، «ساختی به‌سوی یک ابزار کمی یا یک نمایش سنجش» (a building into a quantitative or measure display) (ص ۱۰۷)، «این کتاب را به ایزابل بیکت مارشال تقدیم می‌نمایم، کسی که مرا به‌عنوان بچه بزرگ کرد» (صفحه تقدیم کتاب)، و غیره.

ب. اغلاط املائی: مثال، سپاسگذاری (فهرست مطالب، ص ۱۷) (سپاس‌گزاری صحیح است)، ارئه (ص ۱۶)، مقایسه پهلوی‌پلو (ص ۵۷)، ایده‌ال (ص ۹۲، ۹۹) (ایدئال صحیح است)، آژانش‌ها (ص ۱۲۱)، و غیره.

ج. معادل‌گذاری نادرست: مثال، کارآزمایی trial، (سراسر کتاب) (تجربه صحیح است)، پاک‌سازی پایگاه داده‌ها (ص ۲۵)، تمیزکردن پایگاه داده‌ها (ص ۷۹) (غریبال‌گری پایگاه داده‌ها صحیح است)، «مقیاس‌های انتهابسته» (ص ۴۹) (سوالات بسته صحیح است)، بهترین تمرین‌ها (سراسر کتاب) (بهترین اقدامات صحیح است)، «به شکل‌گیری گفتمان بین اعضا کمک می‌کند» (ص ۴۷) (گفت‌وگو صحیح است)، «گمارش تصادفی» (ص ۶۷) (انتخاب تصادفی صحیح است)، «مجله ادواری (circulation) (ص ۱۱۰) (منظور مجله Circulation است)، و غیره.

د. ترجمه‌های ناصحیح: مثال، «مورد کلاسیک روش‌های آمیخته، مقاله... بود که با سؤال از نوزده محقق مختلف تعریف کاری آن‌ها تلاش کردند تا تعریف واحدی از روش‌های آمیخته ارائه دهند» (ص ۱۲۴)، «مبتنی بر ترجیح افراد برای اعداد است» (ص ۲۶)، «این سند،

مدل کمبود علوم اجتماعی جهت نگارش مقدمه پژوهش نام گرفته است» (ص ۸۴)، «کمی منتج به کیفی برای تبیین نتایج کمی می‌شود» (ص ۴۰)، «زمانی که محققان، به‌عنوان مثال، داده‌های کیفی را گردآوری کردند اغلب با یک جهان‌بینی برساخت‌گرایانه از درک مفاهیم چندگانه مرتبط بود» (ص ۳۷)، «پایگاه داده‌های متنی رونوشت‌شده برای کدگذاری آسان» (ص ۸۰)، و غیره.

هـ. تلفظ‌های ناصحیح: مثال، فالبرایت (ص ۱۸) (فالبرایت صحیح است)، اشتانگ (ص ۱۱۴) (اشتانگ صحیح است)، فارکوهر (ص ۱۳۵) (فارکوهر صحیح است)، و غیره. و. اشتباهات نگارشی و رسم‌الخطی: مثال، «چه معیارها اعمال می‌شوند» (فهرست، ص ۱۳)، «با نگاهی با فهرست بالا» (ص ۳۶)، «بیانیهٔ بیانیهٔ کانسورت» (ص ۴۹)، «زمانی که محققان داده‌ها در مورد ابزار را گردآوری کردند، منعکس‌کنندهٔ یک دیدگاه ساده‌سازی مرتبط با پسااثبات‌گرایی است» (ص ۳۷)، «در نظر گرفتن نگاه‌های تئوری برای استفاده در بسیاری از فازهای طرح» (ص ۶۵) و غیره.

ز. نایک‌دستی در به‌کارگیری اصطلاحات: مثال، کلمهٔ نظریه که گاهی کلمهٔ تئوری به‌کار رفته (سراسر کتاب)، نظریهٔ ناتوانی (ص ۲۱) که در صفحهٔ ۳۹ تئوری معلولیت به‌کار رفته، کلمهٔ نمودار که گاهی کلمهٔ دیاگرام به‌کار رفته (سراسر کتاب) است، و غیره.

ح. پانویس‌نشدن اسامی خارجی و اصطلاحات تخصصی و نبود پانویس‌های توضیحی: مثال، انتشارات سیج (ص ۱۷)، نبرسکا-لینکلن (ص ۴۶) (که البته نبراسکا - لینکلن صحیح است)، پژوهش تئوری برخاسته از داده‌ها (ص ۳۸) (که ناصحیح ترجمه شده است!)، اعطای کمک مالی k اعطای کمک مالی R (ص ۱۲۹)، و غیره.

ط. نقص در عنوان نمودارها: مثال، «یک طرح روش‌های آمیختهٔ هم‌گرا برای» (ص ۷۸)، «شکل (۵-۴). یک طر روش‌های آمیختهٔ متوالی تبیینی برای» (ص ۷۹).

ی. نقطه‌گذاری ناصحیح: مثال، تشدید اضافی روی برخی کلمات (سراسر کتاب)، «روش‌های نمونه‌گیری طرح‌های پیشرفته، روش‌های طرح مقدماتی را ادامه خواهند داد؛ زیرا، این طرح‌های مقدماتی محور طرح‌های پیشرفته هستند» (ص ۱۰۲)، «... این امکان وجود دارد که محقق داده‌های کیفی را پس از مرحلهٔ آزمایشی گردآوری کند و پس از جمع‌بندی، نتایج را؛ ابتدا دستاوردهای آزمایشی و سپس نتایج تعقیبی کیفی گزارش دهد» (این جمله علاوه بر مشکل نقطه‌گذاری مشکل ترجمه‌ای و نگارشی نیز دارد).

ک. به‌هم‌ریختگی جدول: مثال، یک سطر از جدول ص ۱۲۸ به ص ۱۲۹ پریده است.

ترجمه ماشینی این کتاب به قدری نمود دارد که نیاز نیست به متن اصلی مراجعه کنید و اگر بخش‌هایی از متن پشت جلد کتاب را بخوانید کفایت می‌کند. برخی وجوه کار ترجمه کاملاً جدا از پژوهش علمی است و فن، دانش، و مهارت خاص خود را می‌طلبند و آشنایی با زبان مبدأ و مقصد لازمه آن است.

۶. محورهای نقد محتوا

قبل از ورود به نقد محتوای کتاب، تصور نادرستی که درباره «روش» بودن این چهارچوب جا افتاده است باید نقد شود. همان‌طور که کرسول و پلانوکلاک در *دایرةالمعارف پژوهش با چهارچوب آمیخته* (Creswell and Plano Clark 2007: 5) گفته‌اند «پژوهش با روش‌های آمیخته یک طرح پژوهش با پیش‌فرض‌های فلسفی است...». تغییر لحن این چهارچوب به یک روش‌شناسی مستقل بعداً اتفاق افتاد. بدین ترتیب، محققانی که با این چهارچوب پژوهش می‌کنند لازم نیست روش جدیدی آموخته باشد، بلکه باید شیوه آمیختن خروجی پژوهش را به روش‌هایی تقلید کند که قبلاً آموخته است و به آن پیش‌آگاهی داشته باشد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، بخش اعظم همه کتاب‌هایی که به فارسی و انگلیسی تحت عنوان «روش آمیخته» منتشر شده‌اند به بازگویی مقدمات و اصول روش‌های پژوهش کمی و کیفی پرداخته‌اند و تنها یک فصل به چگونگی آمیختن آن‌ها اختصاص داده‌اند. بنابراین، استفاده از لفظ «روش» برای آن صحیح نیست؛ زیرا روش‌ها زاویه دید، پیش‌فرض‌ها، منشأها، و گام‌های خاص خود را برای گردآوری و تحلیل متون و داده‌ها دارند که باعث می‌شود آن‌ها در یک پارادایم خاص قرار گیرند و بی‌وطن نباشند.

نکته مخاطره‌آمیز دیگر در مورد این چهارچوب ادغام پارادایم‌ها و مستهلک کردن زاویه دیدهاست. پژوهش کمی که براساس اصل استقرای بنیان نهاده شده به دنبال کشف قواعد جهان‌شمول است و پژوهش کیفی که براساس اصل تفسیر پایه‌گذاری شده به دنبال کشف فهم (عموماً تاریخی) از یک موقعیت خاص است. تعمیم‌پذیر کردن فهم‌های موقعیت‌مند (چهارچوب اکتشافی) یا پیدا کردن فهم موقعیت‌مند از یک قاعده مکشوفه (چهارچوب تبیینی) چیزی جز تلاش مجدد برای کشف قاعده از رفتارهای انسانی به نظر نمی‌رسد و این درحالی است که پیروان پارادایم اصالت تاریخ (محققان پژوهش کیفی) اساساً کشف قاعده از رفتارهای انسانی را منتفی می‌دانند. وارد کردن مجدد روش‌های آن‌ها به بازی کشف قاعده ترفند جدیدی به نفع پارادایم اصالت طبیعت به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، پایه‌گذاران چهارچوب ترکیبی خود را به فلسفه عمل‌گرایی ملتزم می‌دانند و اعتراف می‌کنند که «عمل‌گرایی به هیچ نظام فلسفی و واقعیتی متعهد نیست» (کرسول ۱۳۹۲: ۴۶)، در حالی که عمل‌گرایی، خود، یک نظام فلسفی است؛ نظامی فلسفی که بیش‌تر به تأثیر از یک نظریه اخلاق هنجاری است تا پیش‌فرض‌های فلسفی. این نظریه اخلاقی همان «نتیجه‌گرایی اخلاقی» است که صورت عملی آن «سودگرایی» است. کرسول (۱۳۹۲) در بیان پیش‌فرض‌های فلسفی چهارچوب ترکیبی می‌گوید: «عمل‌گرایی به‌عنوان یک جهان‌بینی حاصل اعمال، موقعیت‌ها، و پی‌آمدهاست» (ص ۴۶). لذا از وجه سودگرایی فلسفه عمل‌گرایی در چهارچوب ترکیبی استفاده شده است و از بهره‌گیری از تمامی استلزامات این فلسفه که در آثار دیویی، مید، پیرس، رورتی، و مورفی بازمانده است. استفاده ابزاری و کوتاه‌برد از فلسفه عمل‌گرایی و تأکید به عدم التزام به هیچ مکتب و روش و فلسفه‌ای این چهارچوب را تبدیل به یک عرصه باز برای به‌کارگیری هر وسیله و روشی برحسب اقتضا و موقعیت کرده است. به‌نظر می‌رسد چنین عرصه فراخی به هیچ چهارچوب‌بندی مستقلی نیاز ندارد؛ زیرا موقعیت است که به ما خواهد گفت که از چه روش‌هایی استفاده کنیم. بنابراین، نمی‌توان این چهارچوب را مستقل دانست؛ زیرا روش مستقل وابسته به پیش‌فرض‌هاست، اما استفاده موقعیت‌مند از هر روشی به پی‌آمدها و موقعیت‌ها وابسته است.

نکته با اهمیت دیگر خطرناک بودن کشیدن خط جداساز میان داده کمی و داده کیفی است. این جداسازی در تعاریف همه پیش‌روان این چهارچوب مثل جانسون و اون‌وگبوزی (Jonson and Onwuegbuzie 2004)، تشکری و تدلی (Tashakori and Teddlie 2003)، و کرسول و پلانوکلاک (Creswell and Plano Clark 2007) کاملاً واضح است و آن‌ها چهارچوب آمیخته را ترکیب روش کمی و کیفی می‌دانند (نه دو یا چند روش کمی یا دو یا چند روش کیفی با هم). این در حالی است که بسیاری از محققان برجسته (مثل بوردیو / Pierre Bourdieu) در تمایز (*Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*)، یا پارسونز در ساختار کنش اجتماعی (*The Structure of Social Action*) بدون به‌کاربردن یک قالب پیش‌ساخته در آثار فاخر خود داده‌های کمی و کیفی را بسیار مستدل استفاده کرده و در تبیین نظریه یا نتایج خود به‌کار برده‌اند. آن‌ها این دو نوع داده را در چهارچوب یک روش واحد مثل روش تاریخی یا سندی (درمورد کار مارکس در گروندریسه یا پارسونز در ساختار کنش اجتماعی) به‌کار برده‌اند، بدون این‌که بخواهند روش مستقلی ابداع کنند. بنابراین، ترکیب داده‌های کمی و کیفی در چهارچوب هر روشی می‌تواند اتفاق بیفتد و فقط می‌توان الگوهایی

برای ترکیب ارائه داد، مثل الگوهایی که برای مرور نظام‌مند وجود دارند (مثلاً تاکنون چهارده الگو برای مرور نظام‌مند پیش‌نهاد شده است (Grant and Booth 2009). این الگوها ترکیب روشی نمی‌توانند باشند، بلکه بایستی در راستای یک روش واحد به‌کار برده شوند.

نکته نهایی‌ای که باید درباره آثار نوشته‌شده درباره چهارچوب آمیخته از جمله کتاب حاضر گفت آن‌ها (یا بخش‌هایی از این نوع کتاب‌ها) که خاصه به این چهارچوب پرداخته‌اند از عبارات و جملاتی مشحون‌اند که به‌جای بار استدلالی بار خطابی یا رتوریک دارند و بیش‌تر تلاش دارند تا صورت و ظاهر نگارش با این چهارچوب را آموزش دهند. برای مثال، تلاش می‌کنند که بگویند عنوان مقاله را چه‌طور بنویسید، چه‌طور عبارت «روش آمیخته» را در بیان اهداف و در پرسش‌ها بگنجانید، چه‌طور از نمودارها برای اقناع استفاده کنید، چه‌طور مجله مناسب انتخاب کنید، چه‌طور برای قانع کردن سردبیر استناددهی کنید، و غیره. بخش کوچکی از وجهه خطابی این روش در تحقیقات آشکار شده است. برای مثال، رحیم‌پور و همکاران (Rahimpour et al. 2016) نشان دادند که در مقالات موردبررسی‌شان، که به روش آمیخته نگاه‌شده بودند، آشکارا به‌پیروی از یک قالب آماده گرایش داشته‌اند. در این‌جا قصد بر این است که با کمک چهارچوب تحلیل رتوریک اسپر (Spurr 1993) بخش‌های بیش‌تری از وجوه خطابی این چهارچوب آشکار شود. در جدول ۱، برخی جملات مهم از متن کتاب، که دارای بار رتوریک هستند، شناسایی شده و نوع وجه خطابی به‌کاررفته براساس بلاغت‌شناسی کلاسیک و نیز چهارچوب اسپر (ibid.) ذکر شده است:

جدول ۱. جملات با بار خطابی و نوع‌شناسی آن

رتوریک دیوید اسپر	رتوریک کلاسیک	جمله یا بند
زیبایی‌شناسانه‌کردن	مدح	پژوهش روش‌های آمیخته یک موضوع ساده برای استفاده از عنوان آن در پژوهش شما نیست، بلکه تکنیک‌های علمی مخصوصی مرتبط با این روش‌شناسی وجود دارد (ص ۲۲).
زیبایی‌شناسانه‌کردن	مدح	ویژگی‌های اصلی روش‌های آمیخته: استفاده از روش‌های کیفی و کمی قوی و دقیق (ص ۲۳).
زیبایی‌شناسانه‌کردن	اغراق (نام‌گذاری اغراق‌آمیز)	در برخی مطالعات، ویژگی‌های اضافی به طرح پایه افزوده می‌شود. این طرح به‌دست‌آمده را یک طرح پیشرفته می‌نامم (ص ۲۷).
زیبایی‌شناسانه‌کردن	اغراق (نام‌گذاری اغراق‌آمیز)	عدالت اجتماعی یا طرح‌های تحول‌گرایانه: این چهارچوب در مراحل مختلف مطالعه روش‌های آمیخته وارد می‌شود، اما به یک نقطه محوری مطالعه با هدف بهبود زندگی افراد در جامعه امروزی ما تبدیل می‌شود (مانند یک طرح عدالت اجتماعی فمینیستی؛ ص ۲۷).

رتوریک دیوید اسپر	رتوریک کلاسیک	جمله یا بند
تصدیق، زیبایی‌شناسانه کردن	مدح	باین حال، اهمیت دارد کسانی که به دنبال یادگیری پژوهش روش‌های آمیخته هستند این شش طرح را درک کنند؛ زیرا این طرح‌ها محبوب‌ترین طرح‌هایی هستند که در منابع وجود دارند (ص ۲۸).
تصدیق، زیبایی‌شناسانه کردن	مدح، اقتباس	تا مشخص شود آیا شامل چهار خصوصیت اصلی یک مطالعه روش‌های آمیخته است یا خیر... ۳. آیا از روش‌های کیفی و کمی دقیق استفاده می‌کنم؟ ۴. آیا مطالعه را درون یک فلسفه یا یک تئوری تدوین می‌کنم؟ (ص ۲۹)
طبقه‌بندی	اغراق	افرادی که می‌خواهند یک مطالعه روش‌های آمیخته انجام دهند اغلب ... با اساتید... مشورت می‌کنند. برخی اوقات این افراد در دسترس نیستند، به‌خصوص برای محققان تازه‌وارد به عرصه روش‌های آمیخته یا برای افرادی که در برخی کشورهای دورافتاده زندگی می‌کنند (ص ۳۲).
پایش	توضیح واضح	نخست از شما می‌پرسم که آیا یک شنونده (مانند کمیته داوران، مجله، کتاب‌ها، سازمان‌های تأمین مالی) برای مطالعه روش‌های آمیخته خود دارید؟ (ص ۳۱)
تخصیص	اطناب ممل، تکرار	طرح هم‌گرا، طرح متوالی تبیینی، طرح متوالی اکتشافی (سراسر کتاب)
پایش، تخصیص	تأکید خطابی	کلمات «روش‌های آمیخته» برای مشخص کردن روش‌شناسی مورد استفاده [در عنوان] نوشته شود (ص ۳۳).
پایش، تخصیص	تأکید خطابی	[در عنوان پژوهش] از کلماتی که یک مفهوم کیفی دارند دوری کنید... هم‌چنین از کلماتی که دربردارنده یک جهت‌گیری کمی هستند نیز خودداری کنید (ص ۳۳).
پایش، تخصیص، زیبایی‌شناسانه کردن	تأکید خطابی	[مراحل فرایند پژوهش روش‌های آمیخته]... انتخاب یک عنوان برای پروژه... انتخاب یک طرح روش‌های آمیخته... ترسیم یک شکل از طرح خود... افزودن سؤالات پژوهش (کمی، کیفی، و آمیخته) که با طرح شما منطبق باشد (ص ۳۲).
بنیان‌زدایی	اغراق	به دلیل ضعف‌های ذاتی هر کدام از رویکردها، استفاده از هر کدام آن‌ها به تنهایی ممکن است کافی نباشد (ص ۳۶).
تصدیق	تأکید خطابی	پاسخی که محققان روش‌های آمیخته به این سؤال داده‌اند جست‌وجو برای یک فلسفه است که گردآوری هر دو داده‌های کیفی و کمی را توجیه کند. بنابراین، برخی نویسندگان روش‌های آمیخته به سمت عمل‌گرایی رفته‌اند، سایرین به سمت واقع‌گرایی انتقادی، و برخی دیگر نیز به سمت تکثرگرایی دیالکتیک رفته‌اند. این انتخاب به این موضوع بستگی دارد که یک محقق در مورد این فلسفه‌های مختلف چه چیزهایی می‌داند (ص ۳۸).
پایش	تأکید خطابی	[تعریف روش‌های آمیخته]... تعریف روش آمیخته در پژوهش باید بیان کند که... روش‌های آمیخته یک روش‌شناسی پژوهش برای انجام یک مطالعه در علوم اجتماعی، رفتاری، و سلامت است (ص ۳۹).
زیبایی‌شناسانه کردن	تأکید خطابی	ترسیم یک دیاگرام از این طرح برای به اشتراک گذاشتن با دیگران (مانند اعضای کمیته، حاضران در یک کنفرانس، یا بررسی‌کنندگان پروپزال) مفید و کمک‌کننده است (ص ۴۰).

رتوریک دیوید اسپر	رتوریک کلاسیک	جمله یا بند
زیبایی‌شناسانه کردن	تأکید خطابی	در ادامه، شما باید طرح پایه خود را در یک دیاگرام ساده و غیر پیچیده ترسیم کنید. سپس، می‌توانید خصوصیاتمانند رویه‌ها یا محصولات و برون‌دادهای خاص که انتظار دارید در هر مرحله محقق شوند بیفزایید (ص ۴۰).
پایش، تخصیص	تأکید خطابی	در ادامه، باید یک هدف برای مطالعه خود در نظر بگیرید... این هدف... باید به گونه‌ای باشد که منعکس‌کننده نوع طرح مورد استفاده در مطالعه شما باشد (ص ۴۱).
زیبایی‌شناسانه کردن	تأکید خطابی	[طرح هم‌گرا]... هر دو مجموعه داده‌ها را در کنار هم قرار می‌دهد. این کار به روش‌های مختلف قابل انجام است... [اول این که] تفسیر یا استنتاج حاصل از دو مجموعه داده را می‌توان در قالب یک بحث متقابل بیان کرد. به عنوان مثال، نتایج کمی ممکن است نخست گزارش شوند و پس از آن نتایج کیفی بیایند... رویکرد دیگر تبدیل داده‌هاست که یکی از مجموعه داده‌ها به دیگری تبدیل می‌شود به گونه‌ای که قابل مقایسه با هم دیگرند... سوم، توسعه نمایش‌های مشترکی (joint displays) است که نتایج کمی را در مقایسه با نتایج کیفی در یک جدول یا نمودار نشان می‌دهد (ص ۵۷).
تصدیق	اقتباس	طرح عدالت اجتماعی... در مرکز این مطالعات روش‌های آمیخته می‌بایست یک طرح پایه (هم‌گرا، متوالی تبیینی، متوالی اکتشافی) وجود داشته باشد، اما محقق باید نگاه عدالت اجتماعی را در سرتاسر مطالعه وارد کند (توضیح واضح، تأکید خطابی).
طبیعی‌سازی	تأکید خطابی	چگونه یک طرح انتخاب کنیم... اگر پیشینه شما از یک جهت‌گیری قوی‌تر کمی نشئت بگیرد، آن‌گاه شما را ترغیب می‌کنم که به سمت طرحی بروید که با یک پژوهش کمی شروع می‌شود (ص ۸۵)
طبیعی‌سازی، تصدیق	تشبیه	ادغام... اگر تعریف واژه آمیختن [ادغام] را در فرهنگ لغت جست‌وجو کنید، درمی‌یابید که در واقع به معنای چیزی است که در چیز دیگری حل می‌شود یا چیزی که به چیز دیگری متصل می‌شود. برای مثال، در خمیر کیک، آرد در مخلوط حل می‌شود. هنگامی که کشمش‌ها را به کیک اضافه می‌کنیم، دست‌نخورده باقی می‌مانند، اما اکثراً در خمیر آمیخته شده‌اند. این موضوع در مورد روش‌های آمیخته نیز صحیح است: داده‌های کمی و داده‌های کیفی می‌توانند در یک‌دیگر حل شوند یا به شکل جداگانه باقی بمانند (ص ۱۰۴).
پایش، تخصیص	تأکید خطابی	نگارش مطالعه روش‌های آمیخته برای انتشار... پس از آن [به عنوان سردبیر] به دنبال این بودم که آیا نویسنده یا نویسندگان با ادبیات روش‌های آمیخته آشنایی دارند و در حقیقت، آیا به کتاب‌های اخیر روش‌های آمیخته استناد کرده بودند... آیا در عنوان مقاله خود به عبارت «روش‌های آمیخته» اشاره کرده بودند؟ (ص ۱۱۱)
تخصیص، زیبایی‌شناسانه کردن	مدح، تأکید خطابی	نوآوری دیگر روش‌های آمیخته نوع جدیدی از سؤال پژوهش است که تاکنون در هیچ کتاب روش پژوهش یافت نشده است. سؤال روش‌های آمیخته (ص ۱۳۷).

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، دو بُعد «زیبایی‌شناسانه‌کردن» و «تخصیص» مهم‌ترین ویژگی خطابی کتاب حاضر براساس چهارچوب اسپر (Spurr 1993) است. هم‌چنین، دو بُعد «تأکید» و «مدح» مهم‌ترین خصوصیت رتوریک کتاب براساس بلاغت‌شناسی کلاسیک (همایی ۱۳۸۹) است. زیبایی‌شناسانه‌کردن در متون تحلیل‌گفتمان پسااستعماری (مثل آثار ادوارد سعید) عبارت است از تصویرسازی‌های خیال‌گونه زیبا، عجیب و غریب، و گاهی اروتیک از فضا، آداب و رسوم، معاشرت، تشریفات، لباس پوشیدن، آب و هوا، و... کشورهای شرقی در سفرنامه‌ها و خاطره‌نگاری‌های شرق‌شناسان و سیاحان غربی. زیبایی‌شناسانه‌کردن در این جا به معنای لفاظی‌های زیبا و انتساب صفات و قیود مدح‌گونه و اغراق‌آمیز درباره کارآمدی روش است.

هم‌چنین، تخصیص در چهارچوب تحلیل رتوریک اسپر (ibid.) به معنای «از آن‌خودکردن» است و تاکتیک‌های کلامی‌ای که به واسطه آن نویسنده روش را از آن خود می‌کند و شیوه از آن‌خودکردن را به افراد دیگر می‌آموزد. در این کتاب نیز، نویسنده با عباراتی چون «[در عنوان پژوهش] از کلماتی که یک مفهوم کیفی دارند دوری کنید... هم‌چنین از کلماتی که دربردارنده یک جهت‌گیری کمی هستند نیز خودداری کنید» (ص ۳۳)، به خواننده می‌آموزد که چه‌طور عنوان مقاله را بنویسد که آن را از آن خود کند و به آمیخته‌بودن آن «تأکید» کند.

هم‌چنین، مؤلف کتاب تلاش می‌کند تا از طریق به‌کارگیری کلماتی چون «تکنیک‌های خاص»، «روش‌های کمی و کیفی دقیق و قوی»، و... به مدح روش پردازد و آن را زیبا جلوه دهد، گو این‌که روش‌های دیگر تکنیک خاص خود را ندارند و دقیق و قوی نیستند! سراسر کتاب آموزش خطابی «چگونه به‌کاربردن کلمات برای نگارش در چهارچوب آمیخته» است: این‌که اهداف و پرسش‌های پژوهش را چه‌طور بنویسیم، چه‌طور آمیخته‌بودن را در آن‌ها تأکید کنیم، عنوان پژوهش را چه‌طور بنویسیم، این‌که «حتماً» ترکیب «روش آمیخته» را در عنوان به‌کار ببریم، چه‌طور از نمودارها برای اقناع سردبیران مجله و ارزیابان درخصوص آمیخته‌بودن روش پژوهش استفاده کنیم، و این‌که چه‌طور باتوجه‌به مطالعاتمان یک جهان‌بینی (عمل‌گرایی، واقع‌گرایی انتقادی، یا تکثرگرایی دیالکتیک؛ فرقی نمی‌کند) به بخش روش‌شناسی اضافه کنیم.

۷. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا شکل، ترجمه، و محتوای کتاب *درآمدی بر پژوهش روش‌های آمیخته* نقد شود. مهم‌ترین نقد شکلی کتاب به طرح جلد، صحافی، و صفحه‌آرایی کتاب

معطوف شد و در نقد به ترجمه نیز به ماشینی بودن ترجمه کتاب تمرکز شد. در نقد محتوای کتاب نیز تلاش شد تا ابعاد رتوریک کتاب مورد نقد آشکار شود. در پاسخ به پرسش نخست، در مجموع باید گفت که کتاب در میان سایر آثار منتشر شده یک کتاب مقدماتی است و فاقد مشروح مباحث است. هم‌چنین، مثل سایر آثار این حوزه، حجم زیادی از کتاب به معرفی روش‌های کمی و کیفی اختصاص یافته و بخش بسیار کوچکی به روش‌های ترکیب تخصیص یافته است. بقیه فصول نیز بیش‌تر شکلی است و راه‌نمایی برای نحوه نگارش در قالب این چهارچوب است.

در پاسخ به پرسش دوم، مهم‌ترین نقد شکلی به کتاب عبارت است از طرح جلد، صحافی، و صفحه‌آرایی کتاب که نشان از تعجیل برای انتشار دارد. مهم‌ترین نقد ترجمه‌ای وارد بر کتاب «ترجمه ماشینی» است. نحو انگلیسی به وضوح در جملات انگلیسی دیده می‌شود و بدین جهت کتاب پر است از جملات مبهم، اصطلاحات گنگ، و معادل‌های نامناسب. به علاوه، اغلاط املائی و رسم‌الخطی نیز مزید بر علت شده و خواندن آن را دشوار کرده است.

در پاسخ به سؤال سوم، مهم‌ترین نقدهای وارد بر محتوای کتاب عبارت است از «روش نبودن» طرح آمیخته. بنابه استدلالاتی که در این باره در بخش نقد محتوایی ارائه شده است می‌توان ادعا کرد که ۱. بخش بزرگی از آثار نوشته شده برای معرفی طرح آمیخته به تشریح روش‌های کمی و کیفی اختصاص دارد؛ ۲. ترکیب داده‌های کمی و کیفی می‌تواند در چهارچوب هر روشی به کار گرفته شود و ارائه راه‌های ترکیب فقط پیش‌نهاد الگو است، نه روش خاص؛ ۳. در بیان بنیان‌های فلسفی این طرح، از فلسفه عمل‌گرایی استفاده ابزاری شده و فقط به بُعد پی‌آمدگرا و نتیجه‌انگار آن تأکید شده است که این کار آن را تبدیل به یک طرح باز کرده است که می‌تواند هر چیزی در آن بگنجد و هر شیوه‌ای (غیر از شیوه‌های پیش‌نهاد شده) به کار رود که این بازبودن آن را از مستقل بودن می‌اندازد.

در پاسخ به پرسش چهارم باید گفت که مؤلف این کتاب از بین دوازده شیوه خطابی چهارچوب اسپر بیش‌تر از دو شیوه «زیبایی‌شناسانه کردن» و «تخصیص» بهره برده است. برای زیبایی‌شناسانه کردن بیش‌تر از «مدح» یا «اغراق» استفاده شده و برای تخصیص بیش‌تر از «تأکید» بهره گرفته شده است. مؤلف برای زیبا نشان دادن اثر و وارد کردن آن در قلمرو زیبایی‌شناسی از لفاظی‌های مدح‌گونه، زیبا، و مدح‌گونه درباره کارآیی این روش بهره گرفته است. هم‌چنین، مؤلف برای «از آن خود کردن» این طرح سعی کرده است تا با

«تأکید» بر استفاده از این نام در عنوان و روش پژوهش و اجتناب از به‌کارگیری روش‌های کمی و کیفی این طرح را از آن خود کند و آن را مستقل از روش‌های کمی و کیفی نشان دهد.

در انتها، ذکر چند پیش‌نهاد مفید به‌نظر می‌رسد: اول انتخاب کتاب برای ترجمه و معیارهای انتخاب است. معیارهایی که معمولاً برای انتخاب کتاب به‌منظور ترجمه مدنظر قرار می‌گیرد عبارت است از کلاسیک‌بودن (مثل پدیدارشناسی روح اثر هگل)، علایق خوانندگان (مثل کتاب مکتب فرانکفورت اثر تام باتامور)، تازگی موضوع (مثل کتاب پدیدارشناسی تجربه اخلاقی اثر موریس ماندلباوم)، جامعیت کتاب (مثل کتاب فلسفه مدرن فرانسه اثر رابرت ویکس)، زاویه دید جدید (مثل کتاب در پی فضیلت اثر السدیر مک‌این‌تایر)، افق‌های تازه (مثل کتاب درآمدهای بر فرهنگ‌های سایبر اثر دیوید بل)، دانش نو (مثل کتاب جهان هولوگرافیک اثر مایکل تالبوت)، سبک نگارش بدیع (مثل کتاب تفکر و شاعری اثر مارتین هایدگر)، پژوهش نوآورانه (مثل کتاب اطاعت از تورتیه اثر استنلی میلگرام)، و ویژگی‌های آموزشی (مثل کتاب طراحی پژوهش‌های اجتماعی اثر نورمن بلیکی). متأسفانه این کتاب واجد هیچ‌یک از معیارهای یادشده نبود و بنابه اظهارنظر نویسنده، کتابی «خلاصه» بوده است برای معرفی مقدماتی این چهارچوب به «شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های روش‌های آمیخته» (ص ۱۶). بنابراین، به‌نظر می‌رسد نه کتاب خوبی برای ترجمه انتخاب شده و نه ترجمه مناسبی از کتاب ارائه شده است. هم‌چنین، پیش‌نهاد می‌شود که در ترجمه یا تألیف آثار روش‌شناختی به جنبه‌های اخلاقی روش‌ها نیز توجه شود و خطرهای احتمالی تأکید بر رتوریک پژوهش در این‌گونه آثار (به‌جای تشریح مفصل و مؤکد بن‌مایه‌های اصلی آن‌ها) در قالب فصول یا پانویس‌های توضیحی گوش‌زد شود.

کتاب‌نامه

- کرسول، جان (۱۳۹۲)، طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی، و آمیخته، تهران: جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه علامه طباطبائی.
- کرسول، جان (۱۳۹۵)، درآمدهای بر پژوهش روش‌های آمیخته، ترجمه مرتضی اکبری و راضیه اکبری، تهران: روش‌شناسان، جامعه‌شناسان.
- کوثری، مسعود و مصطفی احمدزاده (۱۳۹۳)، «زیبایی‌شناسانه‌کردن دیگری: تحلیل رتوریک بازنمایی کردها در سفرنامه‌های غربی»، مطالعات جامعه‌شناختی، س ۲۱، ش ۱.

نقد کتاب درآمدمی بر پژوهش روش‌های آمیخته و تحلیل وجوه خطابی آن (مهدی شقاقی) ۲۴۳

نیچه، فردریش (۱۳۷۳)، «در باب حقیقت و دروغ به مفهومی غیراخلاقی»، ترجمه مراد فرهادپور، ارغنون، ش ۳.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: اهورا.

- Creswell, J. (2003), *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*, Thousand Oaks: Sage.
- Creswell, J. W. and V. L. Plano Clark (2007), *Designing and Conducting Mixed Methods Research*, Thousand Oaks: Sage.
- Fallis D. (2009), "A Conceptual Analysis of Disinformation", *Iconference*, Chapel Hill, NC, California, USA.
- Grant, Maria J. and A. Booth (2009), "A Typology of Reviews: An Analysis of 14 Review Types and Associated Methodologies", *Health Information and Libraries Journal*, vol. 26.
- Johnson, R. B. and A. J. Onwuegbuzie (2004), "Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come", *Educational Researcher*, vol. 33, no. 7.
- Johnson, R. D. (1995), *Rhetoric and Metaphor in the Emergence of Modern Physics*, PhD Thesis, Iowa State University, Iowa, USA.
- Rahimpour, S., E. Sotoudehnama, and M. Dabir-Moghadam (2016), "A Critical Discourse Analysis-Based Investigation of Researcher Identity in Mixed Methods Applied Linguistics Research Articles", *Journal of Language and Translation Studies*, vol. 49, no. 3.
- Spurr, D. (1993), *The Rhetoric of Empire: Colonial Discourse in Journalism, Travel Writing, and Imperial Administration*, London: Duke University Press.
- Tashakkori, A. and C. Teddlie (2003), *Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research*, Thousand Oaks: Sage.